

ناصر خسرو

آنروز در آن هول و فزع بر سر آن جمع

پیشش شهدا دست من و دامن زهرا

تا داد من از دشمن اولاد پیمبر

بدهد بتهام ایزد دادار تعالی

دیوان تقوی ص ۴

نام استاد: سرکار خانم نیساری

نام: نازیتا

نام خانوادگی گردآورنده: " اخلاقی نوشروی

موضوع تحقیق: نظام حقوق زن در اسلام - زن ریحانه آفرینش - زندگانی فاطمه زهرا

منابع تحقیق: نظام حقوق در اسلام / استاد شهید مرتضی مطهری - زن ریحانه آفرینش / مجموعه دیدگاه های مقام معظم رهبری / سید جعفر شهیدی.

نام رشته: آموزش ابتدایی

نام واحد درسی مربوطه: روش آموزش قرآن

پاورقی : از صفحه تا

۱ -

\* فاطمه زهرا(ع) در قله ی بشریت

۲ - ۳

\* مفاهیم انسانی زن ، تحت الشعاع مسایل تبلیغاتی

۳ - ۴

\* حجاب به معنی منزوی گردن زن نیست

۴ - ۵

\* زنان ، سربازان خط مقدم انقلاب

۷ - ۶ \*اسلام حیات دوباره ای به زن بخشید

۱۰ - ۸ \*مقام انسانی زن از نظر قرآن

۱۷ - ۱۱ \*مقام زن در جهانبینی اسلامی

۱۹ - ۱۸ \* نتیجه گیری

### < فاطمه زهرا(ع) در قله ی بشریت >

فاطمه زهرا(ع) در قله بشریت قرار دارد و کسی از او بالاتر نیست و می بینیم که آن بزرگوار به عنوان یک بانوی مسلمان این فرصت و قدرت را یافت که خودش را به این اوج برساند. پس ، فرقی بین زن و مرد نیست و بخصوص شاید از همین جهت هم است که خدای متعال در قرآن کریم. آن وقتی که راجع به نمونه ی انسانهای خوب و نمونه ی انسانهای بد مثال می زند، مثال را در هر دو مورد از زن انتخاب می کند.

یک مورد زن فرعون و در مورد دیگر همسر نوح و لوط را مثال می زند:

« و ضرب الله مثلاً للذین امنوا امرات فرعون »

در مقابل هم در مورد انسان برونگون سار و کج رفتار و انسانی که در جهت غلط حرکت می کند، به زن نوح و لوط مثال می زند.

این جا، جای سؤال است که مردهم بود ، حالا یکی را از مرد و یکی را از زن مثال می زند. نه، در همه قرآن وقتی که می گوید: « ضرب الله الذین امنوا» یا « ضرب الله الذین کفروا» در هر دو مورد از زن مثال می زند. آیا این به معنای آن نیست که ما باید از دیدگاه اسلام ، به برداشت غلط و متأسفانه مستمر در تاریخ بشریت نسبت به جایگاه زن پاسخی بدهیم؟

اسلام می خواهد \*\*\* و این برداشت و روش و فهم غلط از مسأله ی زن را – که در طول تاریخ هم وجود داشته است. تصحیح کند.

### < مفاهیم انسانی زن، تحت الشعاع مسایل تبلیغاتی و سیاسی >

امروزه هم وضع دنیا همین گونه است. امروز هم علی رغم همه ی این جنجالها و هیاهو ها و ادعاهایی که در حمایت از زن و موضوع انسانی او می شود ، متأسفانه همین برداشت غلط وجود دارد. و اروپاییها چون دیرتر از کشورهای اسلامی و کشورهای غیر اروپایی وارد میدان شدند، نسبت به مسأله ی زن دیرتر تنبه پیدا کردند.

می دانید که تا دهه های دوم این قرن هیچ زنی در هیچ جای اروپا، حق رأی نداشت. آن جاهایی هم که دموکراسی بود، زن حق صرف کردن مال خودش را نداشت . از دهه ی دوم – یعنی از سالهای هزار نهصد و شانزده یا هیجده به بعد – آرام آرام در کشورهای اروپایی ، تصمیم گرفتند که به زن حق اعمال نظر و تصرف در سرمایه ی خود و حقوق اجتماعی

متساوی با مرد بدهند. بنابراین ، اروپا خیلی دیر مسأله را فهمید مثل اینکه می خواهد با جنجالهای دروغین ، از لحاظ زمان جبران این عقب افتادگی را بکند.

البته در تاریخ اروپا ، خانمهایی که ملکه می شدند و یا اشرافی بودند، وجود داشت؛ اما حکم یک زن و زنان یک فامیل و یا یک تیره و طبقه ، غیر از مسأله ی زن است. این تبعیضها همیشه بوده است.

خانم هایی هم بوده اند که در سطوح بالاتر قرار می گرفتند و مثلاً ملکه ی کشوری می شدند و این امتیاز ، از طریق خانواده و میراث به آنها داده می شده است ! اما « زن » این طور نبوده و بر خلاف دیدگاه های ادیان - که سالم و دست نخورده اش اسلام است و دیگر ادیان هم یقیناً همین دیدگاه را دارند. به هیچ وجه در جامعه از حقوقی برخوردار نبوده است.

پس می بینید امروز هم که دنیای غرب می خواهد آن عقب افتادگی بسیار ملامت انگیز خود در مسأله زن را جبران کند، طور دیگری جبران می کند. تصور این است که آنها جانب مفاهیم انسانی در مورد زن را تحت الشعاع مسایل تبلیغاتی و سیاسی و اقتصادی قرار می دهند، کما اینکه از اول هم در اروپا همین طور بوده است و از همان هنگام که به زنان حقوقی داده شده غالباً بر همین مبانی غلط استوار بوده است.

## > حجاب معنی منزوی کردن زن نیست <

وقتی کمه به صحنه ی تفکرات عالم نگاه می کنم و بینش اسلام را مشاهده می نمایم. به روشنی در می یابم که جامعه ی بشری هنگامی خواهد توانست نسبت به مسأله ی زن و رابطه ی زن و مرد، سلامت در کمال مطلوب خود را پیدا بکند که دیدگاه های اسلام را بدون کم و زیاد و بدون افراط و تفریط درک کند و کوشش نماید آنها را اریه کند. این، ادعای ما نسبت به مسأله ی زن در عالم است. ما آن چیزی را که در تمدن های مادی امروز نسبت به زن عمل می شود و وجود دارد، به هیچ وجه قبول نداریم و آن را به صرفه و صلاح زن و کل جامعه نمی شماریم.

اسلام می خواهد که رشد فکری و علمی و اجتماعی و سیاسی و بالاتر از همه - فضیلتی و معنوی زنان، به \*\*\*\* برسد و وجودشان برای جامعه و خانواده ی بشری - بعنوان یک عنصر - حد اعلا ی فایده و ثمره را داشته باشد. همه تعالیم اسلام از جمله مسأله ی حجاب، بر این اساس است. مسأله حجاب، به معنای جلوگیری از اختلاط و آمیزش بی قید و شرط زن و مرد - بخصوص به ضرر زن - است.

حجاب، به هیچ وجه مزاحم و مانع فعالیت های سیاسی و اجتماعی و علمی نیست؛ دلیل عینیش هم شما هستید. شاید عده یی تعجب می کردند و هنوز هم تعجب کنند که خانمی در سطح بالای علمی در هر رشته یی وجود داشته باشد که خودش را با تعالیم اسلامی و از جمله با مسأله ی حجاب منطبق کند. این، برای بعضی باور نکردنی بود و نمی توانستند تصورش را بکنند.

### < زنان ، سربازان خط مقدم انقلاب >

از برخوردهای لوده و هرزه کسانی هم که در دوران رژیم طاغوت، حجاب را مسخره می کردند ، می گذریم. در آن دوران، افراد معدودی از خانم ها و دختر خانمها در دانشگاه ها حجاب داشتند که مورد تمسخر و استهزا بودند. آن برخورد یک برخورد غیر انسانی جلف و غلط بود

که انسان چیزی را که خودش قبول ندارد، آن را به لجن بکشاند و به باد استهزا بگیرد؛ کاری که امروز رسانه های غربی عیناً انجام می دهند . در آن دوران، این گونه افراد کار اجلاف را انجام می دادند که اصلاً محل بحث نیست. اما کسانی هم که اهل این جلافتها نبودند. بلکه اهل تفکر و منطق و به میزان گفتن و به میزان اندیشیدن بودند، باور نمی کردند که ممکن باشد خانمی مقید به مسائل اسلامی - از جمله مسأله ی حجاب - باشد و بتواند مدارج علمی را طی کند و عالم بشود؛ همچنان که باور نمی کردند چنین کسی بتواند در زمینه ی مسائل سیاسی و اجتماعی کسی بشود، کما اینکه فکر نمی کردند بتواند یک عنصر فعال انقلابی باشد. انقلاب ما ، همه ی این تصورات باطل را \*\*\* کرد و دیدیم که خانمها، سربازان خط مقدم انقلاب بودند و این به معنای واقعی کلمه است و من به عنوان یک مبالغه نمی گویم. ما در جریان انقلاب شاهد بودیم که زن در کشور ما ، سرباز خط مقدم انقلاب شد.

اگر زنها با انقلاب سازگار نبودند و این انقلاب را نمی پذیرفتند و به آن باور نداشتند ، مطمئناً این انقلاب واقع نمی شد. اولاً ، اگر زنها نبودند نیمی از گروه انقلابیون مستقیماً در میدان نبودند. ثانیاً ، به طور مستقیم روی فرزندان و شوهران و برادران و محیط خانه - که زن در محیط خانه دارای تأثیر فرهنگی زیادی است - اثر می گذاشتند . این حضور آنها بود که توانست ستون فقرات دشمن را بشکند و مبارزه را به معنای واقعی کلمه پیش برد.

زن ریحانه آفرینش / مجموعه دیدگاه های مقام معظم رهبری پیرامون زن / ۸۵

### < اسلام حیات دوباره ای به زن بخشید >

اسلام واقعاً حیات دوباره ای به زن بخشید با منتهای مراتب ، نکته یی که شما هم اخیراً به آن کردید. نکته ی مهمی است و همیشه روی آن تکیه می شود. آن نکته این است که با وجود همه ی اینها ، زن در جامعه ی ایرانی ما، نه از لحاظ حقوق اجتماعی ، نه از لحاظ تمکن و قدرت فردی ، نه از لحاظ قوانینی که به اینها ارتباط پیدا می کند، هنوز در آن حد وسطی که اسلام خواسته است ، قرار ندارند.

بر بخشی از جامعه ی ما، اخلاق بدی نیست به زن حاکم است ، که البته مخصوص ایران هم نیست. اگر آدم نگاه کند، می بیند که متأسفانه در طول تاریخ ، همواره یک \*\*\* تاریخی بر زن رفته است، که بیشتر هم ناشی از این است که قدر زن و جای او را ندانسته اند. البته هر جای دیگر چنین بوده ، به هر شکلی بوده و هست ، به ما ربطی ندارد، ولی در جامعه ی ما

بایستی به آن شکل باشد که اسلام خواسته است. زن باید شأن حقیقی خودش را پیدا کند و نایستی به خاطر زن بودن، هیچ ستم و ظلمی به او شود. این چیز بسیار بدی است.

چه ستمهایی که در حق زنان روا داشته شده و اسمش ستم است، و چه ستمهایی که اسمش هم ستم نیست، اما در حقیقت ستم است، مثل همین سوق دادن به تجمل و مصرف گرایی و آرایشهای بیهوده و مخارج سنگین و تبدیل شدن به یک وسیله ی مصرف.

### > فاطمه (علیها السلام) الگوی زنان دنیا <

خود الگوی فاطمه ی زهرا (ع) که چه در دوران کودکی، چه بعد از هجرت پیغمبر به مدینه در داخل مدینه، در همه ی قضایای عمومی آن روز پدرش که مرکز همه ی حوادث سیاسی اجتماعی بود، حضور داشت، نشاندهنده نقش زن در نظام اسلامی است. البته فاطمه ی زهرا (ع) قله ی این فضائل است. زنان برجسته ی دیگری هم در صدر اسلام بودند؛ با معرفت، با خود، با علم، حاضر در میدان ها، حتی حاضر در میدانهای جنگ، حتی تعدادی که نیروی بدنی داشتند، حاضر در میدان دلآوری در جنگ شمشیر زنی و سربازی. البته این را اسلام برای بانوان واجب نکرده و از دوش آنها برداشته است؛ چون با طبیعت جسمی و نیز با عواطف آنها سازگار نیست.

ریحانه آفرینش / مقام رهبری پیرامون زن / ۸۵

### < مقام انسانی زن از نظر قرآن >

- \* اسلام اصل مساوات انسانها را درباره زن و مرد نیز رعایت کرده است.
- \* اسلام با فناوری حقوق زن و مرد مخالف نیست ، با تشابه حقوق آنها مخالف است.
- \* اسلام نظریات تحقیر آمیزی که نسبت به زن وجود داشته منسوخ کرده است .
- \* قرآن در داستانهای خود توازن را حفظ کرده، قهرمانان داستانها را منحصر به مردان نکرده است.
- \* زن اگر بخواهد از حقوقی مساوی با مرد بهره مند شود باید مشابهت حقوقی با مرد را از میان بردارد.
- \* علمای اسلام با تبیین اصل (عدل) پایه فلسفه حقوقی را بنا نهادند.
- \* اعلامیه حقوق بشر، فلسفه است نه قانون، باید به تصدیق فیلسوفان برسد نه به تصویب نمایندگان .
- \* دنیای غرب از طرفی تا آخرین حد ممکن مقام انسانی را پائین می آورد و از طرف دیگر به نام حقوق بشر اعلامیه بالا بلند صادر می کند.
- \* بیچارگی های بشر امروز از آنست که « خود» را از یاد برده است.
- \* احترام انسان با فلسفه شرق سازگار است نه با فلسفه غرب.

## < مقام انسانی زن از نظر قرآن >

اسلام زن را چگونه موجودی می داند؟ آیا از نظر شرافت و حیثیت انسانی او را برابر با مرد می داند و یا او را از جنس پست تر می شمارد؟ این پرسشی است که اکنون می خواهیم پاسخ آن بپردازیم.

## < فلسفه خاص اسلام درباره حقوق خانوادگی >

اسلام در مورد حقوق خانوادگی زن و مرد فلسفه خاصی دارد که با آنچه در چهار قرن پیش می گذشته و با آنچه در جهان امروز می گذرد مغایرت دارد. اسلام برای زن و مرد در همه موارد یک نوع حقوق و یک نوع وظیفه و یک نوع مجازات قائل نشده است.

پاره ای از حقوق و تکالیف و مجازاتها را برای مرد مناسبتر دانسته و پاره ای از آنها را برای زن، و در نتیجه در مواردی برای زن و مرد وضع مشابه و در موارد دیگر وضع نامشابهی در نظر گرفته است.

چرا؟ روی چه حسابی؟ آیا بدانجهت است که اسلام نیز مانند بسیاری از مکتب های دیگر نظریات تحقیر آمیزی نسبت به زن داشته و زن را جنس پستتر می شمرده است یا علت و فلسفه دیگری دارد؟

مکرر در نطقها و سخنرانی ها و نوشته های پیروان سیستمهای غربی شنیده و خوانده اید که مقررات اسلامی را در مورد مهر و نفقه و طلاق و تعدد زوجات و امثال اینها بعنوان تحقیر و توهینی نسبت به جنس زن یاد کرده اند. چنین وانمود می کنند. که این امور هیچ دلیلی ندارد جز اینکه فقط جانب مرد رعایت شده است.

می گویند : تمام مقررات و قوانین جهان قبل از قرن بیستم بر این پایه است که مرد جنساً شریف تر از زن است و زن برای استمتاع مرد آفریده شده است، حقوق اسلامی نیز بر محور مصالح و منافع مرد دور میزند. می گویند اسلام دین مردان است و زن را انسان تمام عیار نشناخته و برای او حقوقی که برای یک انسان لازم است وضع نکرده است. اگر اسلام زن را انسان تمام عیار می دانست تعدد زوجات را تجویز ، نمی کرد حق طلاق را بفرد نمی داد، شهادت دو زن را با یک مرد برابر نمی کرد ، ریاست خانواده را به شوهر نمی داد، ارث زن را مساوی با نصف ارث مرد نمی کرد، برای زن قیمت بنام مهر قائل نمی شد، به زن استقلال اقتصادی و اجتماعی می داد و او را جیره خوار و واجب النفقه مرد قرار نمی داد. اینها می رساند که اسلام نسبت به زن نظریات تحقیر آمیزی داشته است و او را وسیله و مقدمه برای مردمی دانسته است می گویند :

اسلام با اینکه دین مساوات است و اهل مساوات را در جاهای دیگر رعایت کرده است در مورد زن و مرد رعایت نکرده است.

می گویند اسلام برای مردان امتیاز حقوقی و ترجیح حقوقی قائل شده است. و اگر امتیاز و ترجیح حقوقی برای مردان قائل نبود مقررات بالا را وضع نمی کرد.

اگر بخواهیم به استدلال این آقایان شکل منطقی ارسطویی بدهیم به اینصورت در می آید : اگر اسلام زن را انسان تمام عیار می دانست حقوق مشابه و مساوی با مرد برای او وضع می کرد ، لکن حقوق مشابه و مساوی برای او قائل نیست. پس زن را یک انسان واقعی نمی شمارد.

### > مقام زن در جهان بینی اسلامی <

قرآن تنها مجموعه قوانین نیست، محتویات قرآن صرفاً یک سلسله مقررات و قوانین خشک بدون تفسیر نیست، در قرآن هم قانون است و هم تاریخ و هم موعظه و هم تفسیر خلقت و هم هزاران مطلب دیگر، قرآن همانطوریکه در مواردی بشکل بیان قانون دستور العمل معین می کند در جای دیگر وجود و هستی را تفسیر می کند. راز خلقت زمین و آسمان و گیاه و حیوان و انسان و راز موتها و حیاتها، عزتها و ذلتها، ترقی ها و انحطاط ها، ثروتها و فقرها را بیان می کند.

قرآن کتاب فلسفه نیست، اما نظر خود را درباره جهان و انسان و اجتماع که سه موضوع اساسی فلسفه است بطور قاطع بیان کرده است، قرآن، به پیروان خود تنها قانون تعلیم نمی

دهد و صرفاً به موعظه و پند و اندرز نمی پردازد، بلکه با تفسیر خلقت، به پیروان خود طرز تفکر و جهانبینی مخصوص می دهد، زیر بنا مقررات اسلامی درباره امور اجتماعی از قبیل مالکیت، حکومت، حقوق خانوادگی و غیره همانا تفسیری است که از خلقت و اشیاء میکند. از جمله مسائلی که در قرآن کریم تفسیر شده موضوع خلقت زن و مرد است، قرآن در این زمینه سکوت نکرده، و به یأوه گریان مجال نداده است که از پیش خود برای مقررات مربوط به زن و مرد فلسفه بتراشند و مبنای این مقررات را نظر تحقیق آمیز اسلام نسبت به زن معرفی می کنند.

اسلام پیشاپیش نظر خود را درباره زن بیان کرده است.

اگر بخواهیم ببینیم نظر قرآن درباره خلقت زن و مرد چیست؟ لازم است به مسأله سرشت زن و مرد که در سایر کتوب مذهبی نیز مطرح است توجه کنیم.

قرآن نیز در این موضوع سکوت نکرده است. باید ببینیم قرآن زن و مرد را یکسر می داند یا در سرمشتی؟ یعنی آیا زن و مرد دارای یک تینت و سرشت می باشند و یا دارای دو تینت و سرشت قرآن با کمال صراحت در آیات متعددی، می فرماید:

که زنان را از جنس مردان و از سرشتی نظیر سرشت مردان آفریدیم.

قرآن درباره آدم اول می گوید: همه شما را از یک پدر آفریده ایم و جفت آن پدر را از جنس خود او قرار داده ایم، (سوره نساء آیه ۱) درباره همه آدمیان می گوید: خداوند از جنس خود شما برای شما همسر آفرید. (سوره نساء و آل عمران و روم)

در قرآن از آنچه در بعضی از کتوب مذهبی است که زن از مایه ای پست تر از مایه مرد آفریده شده و یا اینکه به زن جنب \*\*\*\*\* دادند و گفته اند که همسر آدم از عضوی از اعضای چپ او آفریده شده ، اثر و خبری نیست. علیهذا در اسلام نظریه تحقیر آمیزی نسبت به زن از لحاظ سرشت و تینت وجود ندارد.

یکی دیگر از نظریات تحقیر آمیزی که در گذشته وجود داشته است و در ادبیات جهان آثار نامطلوبی بجا گذاشته سات اینست که زن عنصر گناه است، از وجود زن شر و وسوسه، زن شیطان کوچک است، می گویند در هر گناه و جنایتی که مردان مرتکب شده اند در آن دخالت داشته است.

می گویند مرد در ذرات خود از گناه مبراست و این زن است که مرد را بگناه می کشاند، می گویند شیطان مستقیماً در وجود مرد راه نمیابد و فقط از طریق زن است که مردان را میفریبند ، شیطان زن را وسوسه می کند و زن مرد را، می گویند آدم اول که فریب شیطان را خورد و از بهشت سعادت بیرون رانده شد از طریق زن بود، شیطان حوا را فریفت و حوا آدم را.

قرآن داستان بهشت آدم را مطرح کرده ولی هرگز نگفته که شیطان یا مار حوا را فریفت و حوا آدم را، قرآن نه حوا را بعنوان مسئول اصلی معرفی می کند و نه او را از حساب خارج می کند، قرآن می گوید به آدم گفتیم خودت و همسرت در بهشت سکنی گزینید و ازمیوه های آن بخورید، قرآن آنجا که پای وسوسه شیطانی را بمیان کشید و ضمیرها را به شکل « تثنیه » می آورد، می گویند فوسوس لهما الشیطان . شیطان آن دو را وسوسه کرد. فولا هما بغرور شیطان آن دو را به تخریب راهنمایی کرد، و قا سمهما انی لکما من الناصحین یعنی شیطان در برابر هر دو سوگند یاد کرد که جز خیر آنها از نمی خواهد.

به این ترتیب قرآن با یک فکر رایج آن عصر و زمان که هنوز هم در گوشه و کنار جهان بقیائی دارد سخت به مبارزه پرداخت و جنس زن را از این اتهام که عنصر وسوسه و گناه، و شیطان کوچک است مبرا کرد.

یکی دیگر از نظریات تحقیر آمیزی که نسبت به زن وجود داشته است در ناحیه استعداد های روحانی و معنوی زن است، می گفتند زن نمی رود ف زن مقامات معنوی و الهی را نمی تواند طی کند، زن نمی تواند ، مقام قرب الهی آنطور که مردان می رسند، برسد. قرآن در آیات فراوانی تصریح کرده است که پاداش اخروی و قرب الهی به جنسیت مربوط نیست ، به ایمان و عمل مربوط است، خواه از طرف زن باشد یا از طرف مرد. قرآن در کنار هر مرد بزرگ و قدیسی از یک زن بزرگ و قدیسه یاد می کند ، از همسران آدم و ابراهیم و از مادران موسی و عیسی در نهایت تجلیل یاد کرده است، اگر همسران نوح و لوط را بعنوان زنانی ناشایسته برای شوهران نشان ذکر میکند، از زن فرعون نیز به عنوان زن بزرگی که گرفتار مرد پلیدی بوده است غفلت نکرده است ، گوئی قرآن خواسته است در داستانهای خود توازن را حفظ کند و قهرمانان داستانها را منحصر به مردان ننماید.

قرآن درباره مادر موسی می گوید: ما به مادر موسی (وحی) فرستادیم که کودک را شیر بده و هنگامی که بر جان او بیمناک شدی او را به دریا بیانکن و نگران نباش که ما او را بسوی تو باز پس خواهیم گردانید.

قرآن درباره مریم مادر عیسی میگوید کار او به آنجا کشیده شده بود که در محراب عبادت عمواره ملائکه با او سخن می گفتند و گفت و شنود می کردند ، از غیب برای او روزی می

رسید، کارش از لحاظ مقامات معنوی آنقدر بالا گرفته بود که پیغمبر زمانش را در حیرت فرو برده او را پشت سر گذاشته بود، زکریا در مقابل مریم مات و مبهوت مانده بود.

در تاریخ خود اسلام زنان قدیسه و عالیقدر فراوانند، کمتر مردی است بپایه خدیجه برسد، و هیچ مردی جز پیغمبر و علی بپایه حضرت زهرا نمی رسد، حضرت زهرا بر فرزندان خود که امامند و بر پیغمبران غیر از خاتم الانبیاء برتری دارد. اسلام در سیر من الخلق الی الحق یعنی در حرکت و مسافرت به سوی خدا هیچ تفاوتی میان زن و مرد قائل نیست، تفاوتی که اسلام قائل است در سیر من الخلق الی الخلق است، در بازگشت از حق بسوی مردم و تحمل مسئولیت پیغامبری که مرد را برای اینکار مناسبتر دانسته است. یکی دیگر از نظریات تحقیر آمیزی که نسبت به زن وجود داشته است، مربوط است به ریاضت جنسی و تقدس تجرد و عزوبت، چنانچه می دانیم در برخی آیین ها رابطه جنسی ذاتاً پایه است، بعقیده پیروان آن آئین ها تنها کسانی بمقامات معنوی نائل می گردند که همه عمر مجرد زیست کرده باشند، یکی از پیشوایان معروف مذهبی جهان میگوید:

« با تیشه بکارت درخت ازدواج را از بن برکنید» همان پیشوایان ازدواج را فقط از جنبه دفع به فاصله اجازه می دهند یعنی مدعی هستند که چون غالب افراد قادر نیستند با تجرد صبر کنند اختیار از کف شان روده می شود و گرفتار فحشا می شوند و با زنان متعددی تماس پیدا می کنند، پس بهتر است ازدواج کنند تا با بیش از یک زن در تماس نباشند. ریشه افکار ریاضت طلبی و طرفداری از تجرد و غروب بد بینی به جنس زن است، محبت زن را جزء مفاسد بزرگ اخلاقی بحساب می آورند.

اسلام با این خرافه سخت نبرد کرد، ازدواج را مقدس ، و تجرد را پلید شمرد، اسلام دوست داشتن زن را جزء اخلاق انبیاء معرفی کرد و گفت: من اخلاق الانبیاء حب النساء . پیغمبر اکرم میفرمود من به سه چیز علاقه دارم: بوی خوش ، زن ، نماز.

برتراندراسل می گوید: در همه آنتینها نوعی بدبینی به علاقه جنسی یافت می شود مگر در اسلام ، اسلام از نظر مصالح اجتماعی حدود و مقرراتی برای این علاقه وضع کرده اما هرگز آنرا پلید نشمرده است.

یکی دیگر از نظریات تحقیر آمیزی که درباره زن وجود داشته اینست که می گفته اند زن مقدمه وجود مرد است و برای مرد آفریده شده است.

اسلام هرگز چنین سخن ندارد، اسلام اخل علت نمائی را در کمال صراحت بیان می کند، اسلام با صراحت کامل می گوید زمین و آسمان ، ابر و باد ، گیاه و حیوان، همه برای انسان آفریده شده اند، اما هرگز نمی گوید زن برای یکدیگر آفریده شده اند « هن لباس لکم و انتم لباس لهن » زنان زینت و پوشش شما هستند و شما زینت و پوشش آنها.

اگر قرآن زن را مقدمه مرد و آفریده برای مرد می دانست قهراً در قوانین خود اینجهت را در نظر می گرفت، ولی چون اسلام از نظر تفسیر خلقت چنین نظری ندارد و زن را طیفی وجود مرد ، نمیداند در مقررات خاص خود درباره زن و مرد به این مطلب نظر نداشته است.

یکی از دیگر از نظریات تحقیر آمیزی که در گذشته درباره زن وجود داشته این است که زن را از نظر مرد یک شروبلای اجتناب ناپذیر می دانسته ، بسیاری از مردان با همه بهره هائی که از وجود زن میبرده اند، او را تحقیر و مایه بدبختی و گرفتاری خود می دانسته . قرآن کریم

مخصوصاً این مطلب را تذکر می دهد، که وجود زن برای مرد خیر است ، مایه سکونت و آرامش دل او است.

یکی دیگر از نظریات تحقیر آمیز این است که سهم زن را در تولید فرزندان بسیار ناچیز می دانسته اند، اعراب جاهلیت و بعضی از ملل دیگر \* \* فقط به منزله ظرفی می دانست که نطفه مرد را که بذر اصلی فرزند است در داخل خود نگه می دارد و رشد می دهد در قرآن ضمن آیاتی که می گوید شما را از مرد و زنی آفریدیم و برخی آیات دیگر که در تفاسیر توضیح داده شده است به این طرز تفکر خاتمه داده شده است. نظام حقوق زن در اسلام / شهید مرتضی مطهری / ۵۷

#### نتیجه گیری :

بنا به تحقیقات به عمل آمده از سه کتاب زندگانی فاطمه زهرا (ع) ، زن ربحانه آفرینش، نظام حقوق زن در اسلام به ترتیب نوشته های سید جعفر شهیدی ، مجموعه دیدگاه های مقام معظم رهبری، استاد شهید مرتضی مطهری.

جنسیت زن و مرد ، کوچکترین تأثیری ندارد، نه در جوهر انسانیت آنها تفاوت و اختلافی وجود دارد، نه در حقوق اساسی آنها هیچ گونه اختلاف تفاوتی هست : او هم آزاد است، این هم آزاد است، او هم حق انتخاب دارد، این هم حق انتخاب دارد، او هم تکلیف دارد، این هم تکلیف دارد، او هم می تواند درجات نمای انسانی را طی کند ، این هم می تواند طی کند، او هم حق فراگرفتن علم را دارد ، این هم حق فراگرفتن علم را دارد، او هم وظایف جهاد فی سبیل الله را

بردوش دارد، این هم وظیفه سنگین جهاد فی سبیل الله را بردوش دارد، جهاد هم بر زن واجب است هم بر مرد. و نیز در قرآن نیز در موارد زیاد، زن و مرد را با هم می آورد.

« ان المسلمین و المسلمات و المومنین و المومنات و القانتین و القانتات و الصادقین و الصادقات و الصابرین و الصابرات و الخاشعین و الخاشعات و المتصدقین و المتصدقات و الصائمین و الصالحات و الحافظین فروعهم و الحافظات و الذاکرین الله کثیرا و الذاکرات اعدالله لهن مغفره و اجرا عظیما»

قرآن کریم، به اتفاق درست و دشمن ، احیاء کننده حقوق زن است. مخالفان ، لااقل این اندازه اعتراف دارند که قرآن در عصر نزولش گامهای بلندی به سود زن و حقوق انسانی او برداشت.

ولی قرآن هرگز به نام احیای زن به عنوان « انسان ، شریک مرد در انسانیت و حقوق انسانی، زن بودن زن و مرد بودن مرد را به فراموشی سپرد ، به عبارت دیگر قرآن زن را همانگونه دید که در طبیعت هست. از اینرو هماهنگی کامل میان فرمانهای قرآن و فرمانهای طبیعت بر قرار است. این دو کتاب بزرگ الهی - یکی از تکوینی و دیگری تدوینی - با یکدیگر منطبقند.